




قاضی احمد قمی



از پروفیسر گاہ علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

مدرسی طباطبائی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

قاضی احمد قمی

نگارنده خلاصه التواریخ و گلستان هنر *

قاضی احمد قمی از مورخان و تذکره نگاران برجسته دوره صفوی ، و دو کتاب او خلاصه التواریخ و گلستان هنر از بهترین و سودمندترین آثار شناخته شده آن روزگار است . با وجود این شگفت آن که خود ناشناخته و فوائد و اهمیت و ارزش آثارش بر مؤلفان و دانشمندان پس از او پوشیده مانده^۱ و تنها در نیم قرن اخیر است که پس از نشر ترجمه های روسی و انگلیسی گلستان هنر و چاپ بخشی از خلاصه التواریخ نام او بار دیگر بر سر زبان و قلم افتاده ، و آثار وی پس از گذشت نزدیک به چهار صدسال از توجه و عنایت هموطنان و هم زبانانش برخوردار می گردد .

سرگذشت قاضی احمد در تاریخ تذکره های فارسی ۲ : ۷۲۳-۷۲۷

* - در سراسر این بحث در موارد نقل از خلاصه التواریخ ، عکس ش ۵۵۶۸-۵۵۶۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از نسخه موزه ایران باستان و در موارد نقل از خلاصه البلدان ، نسخه آقای محیط طباطبائی از این کتاب مورد نظر بوده است جز در آنجا که تصریح به خلاف شده باشد .

۱- برخلاف نظر و تصور آقای حسن نراقی در شماره ۱۴۴ مجله هنر و مردم ، از خزائن نراقی به روشنی برمی آید که او نیز قاضی را نمیشناخته و نامه ای را که در جنگ یابیاوسی یافته عیناً - با همان القاب و عناوین که در آنجا برای قاضی آمده بود - در کتاب مزبور نقل می کند .

و از آنجا در مقدمه چاپ گلستان هنر : ۵۶-۶۰ و به اجمال در برخی جاهای دیگر دیده می شود . در این بحث کوشش گردید نکاتی تازه تر که در آن نوشته ها نیست گفته شود تا چهره ای به نسبت روشن تر از او و دودمان وی در دست داشته باشیم .

- ۱ -

نام و نسب قاضی

قاضی احمد بن شرف الدین حسین حسینی شمیر به میرمنشی قمی^۲ ابراهیمی^۳ . وی در دوائر مزبور نام و نسب خود را پیش از این ننگاشته است لیکن در بیاض نواده^۴ او صفی الدین - که خود آن را « خلاصة البلدان » نام داده است - مشجره ای به عنوان نسب نامه وی تا امام چهارم نقل می شود . او می گوید این مشجره که اصل آن در این دودمان است با استفاده و استناد به کتاب های عمدة الطالب جمال الدین احمد بن عنبه حسنی و سرائسب ابونصر بخاری و دیوان النسب و عنوان الحسب امیر عبدالقادر نسابه و بحرالمحیط سید رضی الدین محمد نقیب و بیان الانساب ابوالفیث احمد بن محمد بن عیسی حسنی نسابه و مبسوط شیخ فخرالدین تنظیم شده و علی بن عبدالحسین نسابه سرکشیک آستانه مقدس کربلا و شیخ احمد نسابه خدمتگزار مدینه مشرفه و شیخ نورالدین محمد نسابه و محمد بن معتب حسینی بر آن گواهی نوشته اند .

۲- خلاصة التواریخ : برگ ۴ عکس ۵۵۶۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران .

۳- گلستان هنر : ص ۶ سطر ۱، درنسبت به ابراهیم میرزا صفوی حکمران خراسان که در دربار وی می بود . او خود در همین کتاب (ص ۱۰۹) می نویسد : « انواع هنرمندان و پیشه وران از هر صنف و کاری که بود ایشان را به نوعی تربیت فرمود که هر یک وحید زمان و یگانه دوران شدند .

در آن مشجره نام پدران او تا امام چهارم چنین قلمداد شده بوده است :

میر نظام الدین احمد مشهور به قاضی فرزند میر شرف الدین حسین مشهور به میر منشی فرزند میرسید احمد فرزند سید - نعیم الدین فرزند میر نعمت اله فرزند زین الدین علی فرزند جمال الدین علی فرزند میر سید حسن مستجاب الدعوه فرزند سید رضی الدین محمد آوی فرزند سید شمس الدین محمد شریف مکی فرزند میر شرف الدین علی فرزند تاج الدین محمد فرزند حسین فرزند علی فرزند محمد فرزند زید فرزند داعی فرزند زید فرزند علی فرزند ابومحمد حسن کرفه فرزند ابوالحسین علی برطله فرزند حسین فرزند علی فرزند عمر نقیب فرزند حسن افطس فرزند علی اصغر فرزند امام زین العابدین (ع) ۴

- ۲ -

پدران و خویشان و نزدیکان او

۱- امیر سید احمد :

نیای پدری قاضی احمد «میر سید احمد» در روزگار شاهان ترکمان و سپس در دوران فرمانروایی صفویان اقاضی القضاتی دارالمؤمنین قم و توابع آن بدو مفوض بود و مبلغ های کلی سیورغال داشت^۵ به موجب رقم اشرف که نزد نواده ششم او صفی الدین محمد بن عبدالوهاب بن صفی الدین محمد بن محمد هاشم حسینی ضبط بود «نقابت سادات واقضی القضاتی کل ممالک محروسه به مشارالیه مرجوع بوده به نحوی که متولیان کل موقوفات ممالک

۴- خلاصه البلدان : برگ ۳۰ پ - ۳۱ ر نسخه آقای محیط طباطبائی .

۵- همان مأخذ : ۳۰ پ .

محروسه خود را به عزل و نصب اقاضی القضاتی مشارالیه معزول و منصوب دانند».^۶

۲- قاضی شرف الدین عبدالمجید :

پدر همسر امیر سید احمد و نیای مادری میر شرف الدین حسین پدر قاضی احمد . در بیاض صفی الدین ذیل نام میر شرف الدین حسین می نویسد : «والده ایشان صبیۀ عالی حضرت مرحمت و مغفرت پناه قاضی شرف الدین عبدالمجید بود»^۷ قاضی خود در گلستان هنر ذیل نام «حافظ قنبر شرفی» می نویسد که او مملوک غفران پناه قاضی شرف الدین عبدالمجید قمی جدامی والد ماجد را قم بوده و شرفی به مناسبت اسم قاضی در خط می نوشته^۸

صفی الدین در مطلب ششم از فصل پنجم بیاض خود در ذکر کاریز های قم که آن هنگام شمار آن به یک صد قنات می رسید آگاهی بیشتری از سرگذشت این شخص به دست می دهد که مقدار مورد حاجت آن در این بحث چنین است :

«قنات دیگر مشهور به قنات قاضی شرف الدین است که آن را عالی حضرت شریعت و مغفرت پناه قاضی شرف الدین عبدالمجید قمی که جد مادری رجد[جد حقیر بوده احداث نموده ، چندی در آن کار فرمودند و پیش از آن که آن را جاری کنند در زمان ملوک طوایف جمعی از ترکمان به سبب سابقه عداوتی که داشتند و ذکر چگونگی

۶- ایضاً : کناره برگ ۶۵ ر نسخه موزه بریتانیا .

۷- خلاصه البلدان : ۳۰ پ .

۸- گلستان هنر : ۳۲ .

قصه آن به تفصیل در ذکر سلسله این فقیر سابقاً مذکور شد^۹ شبی برقم شبیخون و تاخت آوردند و قاضی مرحوم را با اولادش از کبیر و صفیر به قتل رسانیدند به غیر یک فرزند او که در آن وقت در قم حاضر نبود و به نواحی دارالمؤمنین کاشان رفته بود. پس قنات او به سبب وقوع این حادثه ناتمام ماند تا آن گاه بعد از قرنی یا بیشتر جد این فقیر نصف آن قنات را به مرحوم حاجی شمس قمی به مبلغ چهل تومان تبریزی فروخته بود... و الیوم در دارالمؤمنین قم قناتی پر نفع تر و پر آب تر از قنات قاضی شرف الدین نیست و دوازده یک آن قنات را مرحوم میرزا صفی خان ساوه‌ای خریده، حیاض و حمامات بلده کریمه قم وقف نموده است...»^{۱۰}

۳- آقا کمال الدین حسین مسیبی :

نیای مادری قاضی احمد. در خلاصه التواریخ در شرح ماجرای قشلاق سال ۹۰۹ شاه اسماعیل در قم می نویسد : «جد مادری مؤلف غفران پناه آقا کمال الدین حسین مسیبی که از اولاد مسیب بن علی خزاعی است و آباء و اجداد عظام او از عراق عرب نقل به قم نموده بوده و بعضی از آنها در زمان پادشاه مرحوم میرزا شاهرخ متصدی مهمات دیوانی و معماری قم بودند. و آقای مذکور در زمان سلاطین ترکمان کلانتر و معمار آن ملک بود و به کثرت ملک و جمعیت و اسباب و ثروت در آن مملکت امتیاز تمام داشت و قبل از ظهور شاه سکندرشان از مهمات دنیا استغفار کرده، در خارج درب کنکان مدینه قم زاویه‌ای ساخته موسوم به حسینیه مشتمل بر عمارات عالی

۹- در دوشاخه مورد استفاده ما از کتاب خلاصه البلدان ذیل نسب نگارنده

کتاب چیزی در این باره نیست.

۱۰- خلاصه البلدان : ۵۰ ر.

و باغی همچون ارم ثانی . و خود خرقة و جبه پوشیده در آن زاویه معتکف بودند و به خدمت علما و صلی و فضلا و فقرا و صادرین و واردین اقدام می نمودند .

سپس به مناسبت تدارکاتی که برای استقبال شاه اسماعیل در قم فراهم آمده بود از کاخی که او برای شاه در قم بنا نهاد یاد نموده و می نویسد :

«به واسطه شاه عالم گیر در دولت خانه قم که مسکن شاه مرحوم حسن پادشاه و یعقوب پادشاه بود معماران مهندس و طراحان را حاضر کرده ، در اندک زمانی يك دست حرمسرای مشتمل بر چهار صفا و ایوانها و بالاخانهها بنا فرمود و نهایت تکلفات و زینت و نقاشی و نقاری و تصویر نمود و آن عمارت دلگشا با جام لطیف و باصفا به سرکاری خلفش آقا فتوح الدین فتح الله به اتمام رسید و یراق شاه کامیاب گرفته ، به اتفاق سادات عظام و قضات اسلام و اکابر اهالی و شیعیان بلده جنت نشان .. به همدان به استقبال شتافتند .

... آقا حسین پیشکش های وافر و مهمانی های متکثر کرده ، شاه جم جاه به دیدن آقا حسین به زاویه حسینیّه آمده ، ایشان را از آن لباس بیرون آورده ، مهمات جزوی و کلی آن مملکت به دستور پدو تکلیف فرمودند و دارایی و امور سپاهی ملک را به ولد ایشان آقا فتح اله دادند و ایشان را به خلعت های فاخره از تاج و کمر و چهارقرب که به دیگری نمی دادند سرافراز ساخته ، نوازشات بسیار با اهل آن دیار فرمودند» . ۱۱

در همین کتاب ذیل شرح ماجرای فشلاق سال ۹۱۸ می نویسد:
«در اواخر شهر ذی حجه ... شاه سکندرشان تکلیف وزارت

۱۱- خلاصه التواریخ : برگ ۳۰ - ۳۱ .

دیوان اعلیٰ به مرحمت پناه آقا کمال الدین حسین مسیبی قمی که سابقاً ذکر رفت فرمودند. وی به مسامع عز و جلال رسانید که این بنده مرد مزارع است و خدمات مملکت و زراعت به قاعده ای که در این مدت ۹ سال بر آن اقدام داشته ام می توانم قیام نمود و چون سن بالا رفته تاب اسفار ندارم. شاه جنت بارگاه مقرر فرمودند که مهری بر ضمن احکام و نشانها زنند و در سلك و زراء باشد. امتثالاً الامر۔ الاعلیٰ از آن تاریخ تا رحلت شاه جنت مکان نایبان او به دستور مهر بر ضمن احکام زدند. شاه سکندرشان پیوسته حاضرانه و غائبانه لعب باوی می باختند و قریب هشت نه هزار تومان در ایام سلطنت همایون بدان علت و پیشکش و مهمانیها به سرکار خاصه شریفه رسانیدند و همچنان در خطه فاخره قم به مهمات آن مملکت اقدام داشتند»^{۱۲}

از این قسمت بر می آید که آقا حسین تا پایان زندگی شاه اسماعیل زنده بوده است. از زاویه ای که او بیرون درب کنکان قم بنا نموده بود در گلستان هنر نیز دو جا یاد می شود یکی ذیل سرگذشت مولانا حیدر قمی که در صنفه عمارت زاویه حسینیه کتابه های ثلث و کوفی به خط او بوده^{۱۳} و دیگر ذیل سرگذشت مولانا سید ولی که «کتابه درگاه زاویه حسینیه واقعه در درب کنکان از منشآت جد مادری راقم» را نگاشته بوده است^{۱۴} در بیاض صفی الدین نیز از همین «عالی حضرت غفران پناه آقا حسین مالک باغ زاویه حسینیه که والده امیر نظام الدین احمد شهپیر به قاضی صبیئه ایشان بود» یاد می شود^{۱۵}

۱۲- ایضاً : ۴۴ .

۱۳- گلستان هنر : ۳۳ .

۱۴- ایضاً : همان صفحه .

۱۵- خلاصه البلدان : ۳۰ پ در سلسله و مشجره نسب خاندان .

در کتاب قم در قرن نهم هجری نیز مطالب مربوط به این شخص و زاویه او به نقل از خلاصه التواریخ در چند جا آمده است^{۱۶}

تذکره مطلبی در اینجا برای ایضاح يك نکته در خلاصه التواریخ و چند متن تاریخی دیگر سودمند به نظر می رسد و آن این که «درب کنکان» (به کسر دو حرف نخستین) که نام آن به همین صورت در دو جای خلاصه التواریخ^{۱۷} و گلستان هنر^{۱۸} و پیش از آن دو در تاریخ کبیر جعفری^{۱۹} و مطلع سعد بن سمرقندی^{۲۰} و احسن التواریخ رومو^{۲۱} و برخی جاهای دیگر، و به صورت «درب کهنکان» در نسخه ای از خلاصه التواریخ^{۲۲} آمده یکی از پنج دروازه قم^{۲۳} بوده است. چهار دروازه دیگری دروازه ساوه^{۲۴} در غرب و دیگری درب اصفهان^{۲۵} (همان دروازه کاشان کنونی قم) در جنوب محدوده آن روز شهر^{۲۶} و سوم در بربری در شمال و چهارم درب قلعه^{۲۷} در جنوب

۱۶- صفحات ۴۴/۱۴۶-۱۴۷/۱۶۱/۱۹۲ .

۱۷- برگ ۳۰ و ۲۵۶ ، وقایع ۹۰۹ و ۹۸۵ .

۱۸- ص ۳۳ . پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۹- وقایع سال ۸۱۵ .

۲۰- ج ۲ ص ۱۴۰ چاپ لاهور .

۲۱- ج ۱۱ (چاپ نگاه ترجمه و نشر کتاب) : ص ۸۷ .

۲۲- نسخه خطی ش ۶۵۷۰ دانشگاه (از کتب سعید نفیسی) : ص ۵۳ .

۲۳- خلاصه التواریخ : برگ ۳۲۰ .

۲۴- ایضاً : ۱۲۷ و چندین کتاب و سند قدیم دیگر .

۲۵- ایضاً : همانجا و چندین کتاب و سند قدیم .

۲۶- فصل الخطاب خواجه محمد پارسا به نقل انوارالمشعشعین ۲ : ۲۳۴

نسخه اصل .

۲۷- خلاصه التواریخ : ۳۲۱ .

غربی بوده و این درب پنجمین بوده است که طبعاً هیچ يك از آن درب‌های دیگر مذکور در خلاصه التواریخ نمی‌توانست بود. خانقاه از میان رفته خواجه علی صفی - فرمانروای مستقل قم در میانه ونیمه دوم قرن هشتم - و زاویه حسینیه و باغ آن و مشهد محمودآباد بیرون این درب قرار داشته است. ۲۸ محمودآباد و اراضی پیر مشهد نزدیک آن ۲۹ و اراضی زاویه هم اکنون با همین نامها در شرق شهر شناخته است و با در نظر گرفتن این نشانی‌ها حدود تقریبی محل وقوع درب مزبور ۳۰ آشکار می‌گردد.

در کتاب «قم در قرن نهم» احتمال داده شده بود که این درب همان دروازه کاشان کنونی این شهر باشد. لیکن قاضی از این دوم با نام «دروازه اصفهان» یاد می‌کند که از دوره‌های نخست تا قرن اخیر آنرا با این نام هم می‌شناخته‌اند. ۳۱ بنابراین آن احتمال نادرست است چنان‌که با در نظر گرفتن نشانی‌های پیش‌نیز آشکار بود. «کهنه» (با «ها»ی غیر ملفوظ و کسر دو حرف اول و سوم) از مزارع براوستان در شرق قم بوده ۳۲ و هست. پسوند «کان» و «گان» و «قان» و «جان»

۲۸- مصادری که بیشتر در متن یاد شده در همان صفحات .

۲۹- می‌تواند بود که مراد از کلمه «مشهد محمودآباد» در خلاصه التواریخ : برگ ۲۵۶ مزار محمودآباد (طبعاً همان مزار مشهور به طیب و طاهر ، یاد شده در همین ماخذ : برگ ۳۱۹ و قایع سال ۹۹۴) باشد که آن نیز در همین سو قرار دارد .

۳۰- پیرامون جایی که اکنون راه سراجی از راه قم - کاشان جدا میشود در شرق شهر قم .

۳۱- کتاب قم ، ترجمه : ۵۰ / تاریخ دارالایمان قم محمد تقی بیگ ارباب : ۱۳ / خاطرات اعتماد السلطنه : ۵۵۹ چاپ دوم .

۳۲- تاریخ دارالایمان قم ارباب : ۷۴ (کهنه و یلمه که در چاپ به خطا «کهنه» دیلمه» آمده است . تصحیح از کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم افضل‌الملک : ص ۱۲ نسخه ش ۵۵۱۴ دانشگاه) .

در نام بیشتر توابع قم دیده می شود^{۳۳} پیداست که این درب چون در برابر مزرعه مزبور قرار داشته است به این نام خوانده می شده ، چنان که همانند آن در نام گزاری دروازه بنام قریه یا مزرعه مجاور در کتاب قم به تکرار دیده می شود .^{۳۴}

۴- آقا فتوح الدین فتح الله :

فرزند آقا کمال الدین حسین مسیبی و خال قاضی احمد ، که چنان که ضمن سرگذشت پدرش به نقل از خلاصه التواریخ دانسته شد بنای حرمسرای شاهی قم در سال ۹۰۹ به سرکاری او انجام گرفته و در همان سال از جانب شاه اسماعیل امور سپاهی و مالی قم به عهده او واگذار شده بود.

۵- شرف الدین حسین میرمنشی :

میر شرف الدین حسین حسینی قمی پدر قاضی احمد از فضلا و هنروران نیمه دوم قرن دهم ، از شاگردان غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی که در صنعت انشاء و استیفا و تحریر خطوط ثلث و تعلیق و نسخ و شکسته بی بدیل و استاد بود و شعر نیز می سرود و در برخی صنایع و هنرهای ظریف مانند زرگری و نقاری و نقاشی و جام بری دست داشت و از جانب شاه طهماسب به « میرمنشی » ملقب شده و به این نام مشهور آفاق گشت^{۳۵}

۳۳- ترجمه کتاب قم حسن بن محمد بن حسن قمی و تواریخ متوسط و متأخر

قم دیده شود .

۳۴- کتاب قم ، ترجمه : ص ۲۷ و ۳۵ و ۳۶ و ۲۲۸ .

۳۵- گلستان هنر : ۳۴ و نیز ۱۵ و ۲۰ و ۳۶ .

سرگذشت او را فرزندش در تذکره خوش نویسان^{۳۶} به تفصیل آورده و در جاهای گوناگون خلاصه التواریخ نیز از اوسخن داشته و از آن همه برمی آید که وی در ۱۷ ع ۱-۹۱۴ به دنیا آمده و خط ثلث را نزد مولانا حیدر قمی^{۳۷} در قم و مقدمات علوم و صرف و نحو و منطق را در کاشان نزد سلطان محمد صدقی استرآبادی^{۳۸} و هیأت و ریاضیات را در ملازمت اردوی شاهی نزد غیاث الدین منصور دشتکی فراگرفت. او نخست در هرات منشی سام میرزا صفوی نگارنده تحفه سامی- زندانی شده در ۹۶۹ و درگذشته ۹۷۵-، سپس در دوران وزارت «احمد بیک نورکمال» سه سال متصدی انشاء ممالک دیوان اعلی بود. پس از آن در دوره وزارت قاضی جهان سیفی قزوینی (درگذشته شب عید غدیر سال ۹۶۰)^{۳۹} پانزده سال وزیر و منشی جمله المناصب او بود^{۴۰} سپس مدتی ممیزی کل اعراب و اخلاج ممالک محروسه، و هم چندی وزارت کارخانه خاصه شریفه در ولایت شوره گل و چخور سعد ارمنستان نمود. سپس از سال ۹۶۲ تا هفت سال وزارت وریش سفیدی درگاه ابراهیم میرزا صفوی حکمران خراسان داشت و جمیع مهمات امور ملکی و مالی و حل و عقد امور آنجا بدو محول بود و کارهای مربوط به شاهزاده به دست وی انجام

۳۶- گلستان هنر : ۳۴ - ۳۷ .

۳۷- ایضاً : ۳۳ .

۳۸- ایضاً همان صفحه .

۳۹- خلاصه التواریخ : ۱۴۶ .

۴۰- در خلاصه التواریخ و قایح سال ۹۵۵ آمده است : والد مؤلف میرمنشی

قمی در آن اوان در ملازمت رکاب ظفر انتساب شاه کامیاب مالک رقاب می بود ... (۱۲۷ ب) .

۴۱- خلاصه التواریخ : ۱۴۶ .

می‌گرفت^{۴۲}. در همین دوره به سال ۹۶۷ سفری به تبریز رفت و گوهرسلطان خانم دختر شاه طهماسب را که برای همسری ابراهیم میرزا برگزیده شده بود به مشهد برد^{۴۳}. در سال ۹۶۶ قتلگاه مشهد را که مدفن شیخ طبرسی نگارنده مجمع‌البیان و آثار دیگر نیز در آنجاست دیوار کشید و محصور ساخت و درگاه و درنهاد^{۴۴}

در سال ۹۶۹ شاه طهماسب او را به سعایت معصوم میرزا صفوی از وزارت ابراهیم میرزا برکنار ساخت و مولانا معین استرآبادی در قصیده‌ای که به ستایش او گفت از این ماجرا یاد کرد^{۴۵} از این که قاضی عماد الاسلام اردوبادی - در گذشته ۹۷۳ در قزوین که یک دو سه سال پایان زندگی را در آنجا گذرانید - بامیرمنشی همسایگی و قرب جوار داشته و به طریق شاگردان از فقرات و منشآت میربهره می‌برده است^{۴۶} گویا برمی‌آید که میردوره شش ساله برکناری خود را در قزوین به سر برده است. تا آن که در ماه صفر ۹۷۶^{۴۷} به جای آقا کمال‌الدین وزیر خراسان به وزارت مشهد و ولایات سرافراز شد و تا سه سال در آنجا بود. سپس به قزوین رفت و تا پایان زندگی شاه طهماسب در مجلس آن پادشاه به مجلس نویسی و کتابت متفرقه اقدام داشت.

میرمنشی در شب جمعه ۷ ذق - ۹۹۰ در ری درگذشت و در آستانه حضرت عبدالعظیم به خاک رفت. قاضی در وقایع این سال

۴۲- ایضاً : ۱۴۹ و جزآن .

۴۳- ایضاً : ۱۵۹ .

۴۴- گلستان هنر : ۱۵ .

۴۵- خلاصه التواریخ : ۱۶۶ .

۴۶- گلستان هنر : ۵۱ .

۴۷- خلاصه التواریخ : ۲۱۵ .

خلاصه التواریخ از درگذشت پدر خود یاد کرده و شرحی در باب وی نگاشته است که چون آن کتاب هنوز نشر نشده به نقل عین عبارت کتاب می پردازد :

« و هم در این سال پر ملال و المؤلف میر شرف الدین حسین مشهور به میرمنشی که در این اواخر عمر و زندگانی عزلتی به جهت طاعت و عبادت اختیار کرده در آستانه مقدسه امام زاده واجب التعظیم امامزاده عبدالعظیم علیه وآبائه التحیته و التسلیم مجاور و معتکف شده بود در شب جمعه هفتم شهر ذی قعدة سنه مذکوره در خانه های مهتر جمال که در صحن آستانه مقدسه واقع است در آنجا می بود اجابت دعوت حق را لبیک گفته ، ندای ارجعی الی ربك راضیه مرضیه در داد (کذا) . ولادتش در هفدهم شهر ربیع الاول سنه اربع عشر و تسماء ، مدت عمرش هفتاد و شش سال . مولانا عبدی جنابدی در تاریخ فوت وی گفته :

سپهر شرف میرمنشی که بود

فلك را سر عجز بر پای او

چو از گلشن دهر دلگیر شد علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ریاض جنان گشت مأوای او

چو تاریخ جستم ز پیر خرد

بگفتا بهشت برین جای او

مدفنتش در جنب آستانه مقدسه منوره در منازل متصل به روضه مقدسه . مؤلف در سالی که بعد از این قوی ثیل باشد در معسکر همایون ملازم رکاب ظفر انتساب بود و به سعادت زیارت مشهد مقدس معلی مزکی سرافراز شد در درون تکیه درویش یحیی که پایین بالین گاه و پس پشت روضه مقدس عرش منزله واقع است متصل به دیوار

مبارک حفر قبروی نموده ، سنگ و لوح مزار نصب کرده ، ابیات مذکور را به خط مولانا علی مشهدی که از خوشنویسان مقرر خراسان بود کتبه شد. امید که توفیق رفیق نقل نمودن جسدوی بدان آستان عرش مکان گردد .

حالات وی آن که چهل و پنج سال همراه اردوی معلی در اسفار خراسان و آذربایجان و هنگام رحل اقامت اردوی همایون در دارالسلطنه قزوین ساکن و سیار بود و مدت نه سال به دو مرتبه در مشهد مقدس به سمت وزارت در آن آستان معلی مکان معتکف گشت و در علم عربیت و معانی بیان استاد فن بود و به حسن خط خصوصاً نسخ و رقاع و تعلیق و شکسته بامزه ید بیضا داشت. این رباعی از نتایج طبع و قاد ایشان است در جواب رباعی که نواب میر شمس الدین محمد صدر گفته بودند:

ای مطلع انوار الهی رویت

وی مقصد اقصای عزیزان کویت

یارب توجه مظهری که از جلوه تو

بردند همه جهانیان ره سویت

رباعی نواب میر سابقاً مذکور شد. اگرچه ایشان فکر شعر کمتر می فرمودند اما گاهی ابیات مناسب و رباعیات متصوفانه محققانه از ایشان سر می زد . ذکر آنها در مجمع الشعرا نموده . در تقوی و صلاح و تقید و پرهیزکاری و سلامت نفس و عبادت از عنفوان شباب تا هنگام شیب به یک و تیره بود. رحمة الله علیه رحمة واسعة^{۴۸}

۶- میروجیه الدین خلیل الله :

فرزند دیگر میر سید احمد و عم قاضی احمد، که در خط تعلیق و

۴۸- خلاصة التواریخ : ۲۸۳ .

نستعلیق و در هنر تیراندازی و سپاهیگری و تفنگ اندازی استاد بود و شعر نیز می‌سرود و در مشهد در خدمت ابراهیم میرزا صفوی می‌زیست و پس از کشته شدن او به سال ۹۸۴ به قم رفت و در آنجا به زراعت و عمارت و طاعت و عبادت اشتغال ورزید و در همان جا به سال ۱۰۰۶ در هفتاد و دو سالگی درگذشت .

سرگذشت او را قاضی احمد در گلستان هنر^{۴۹} به تفصیل آورده است . درجایی دیگر از این کتاب نیز می‌گوید که او در سال ۹۶۷ سفری به دستور ابراهیم میرزا به هرات رفت و مولانا قاسم قانونی را از آنجا به مشهد برد^{۵۰} . در خلاصه التواریخ ضمن وقایع سال ۹۵۵ در شرح ماجرای حمله القاص میرزا به قم می‌نویسد: « روز یکشنبه هیجدهم شهر شوال به بلده قم داخل شد . چون والد مؤلف میرمنشی قمی در آن اوان در ملازمت رکاب ظفرانتساب شاه کامیاب مالک رقاب می‌بود صونک وی را به ملافضل اصفهانی که انشای او بدو متعلق بود داد . ملا مبلغی که حسب الحکم اشرف به سیورغال میر و برادران او مقرر بود مسترد گردانید و بدان علت از نقد و جنس و شتر و دواب بیشتری از عم مؤلف گرفت »^{۵۱} .

۷- میرزا محمود :

فرزند میرمنشی و برادر قاضی احمد که از او در خلاصه التواریخ- ذیل وقایع سال ۹۹۴ چنین یاد می‌کند :

« نقابت و فضایل پناه میرزا محمود که به انواع فضایل و کمالات

۴۹- صفحه ۱۲۰ - ۱۲۱ .

۵۰- گلستان هنر : ۱۱۲-۱۱۳ .

۵۱- خلاصه التواریخ : ۱۲۷ .

آراسته و بهرشد و کاردانی و سپاهی گری از اقران گوی سبقت
ریوده...» ۵۲

۸- میرسراج الدین علی قمی :

برادرزاده قاضی احمد. دربیاض صفی الدین ذیل سخن از
کاریزهای قم می نویسد :

«قنات دیگر قنات مشهور به قنات فردوس است که گویند آن را
عالی حضرت سیادت و مرحمت پناه امیر سراج الدین علی موسوی
قمی که جد مادری حضرت مرحومی میر سراج ولد میر صفی حسنی
طباطبائی اردستانی و عمزاده والد والد این فقیر بوده احداث بر
باغی که مشهور است به باغ فردوس [نموده]» ۵۳

می تواند بود که او فرزند همان میرزا محمود باشد که یادشد.
از این نوشته چگونگی پیوند و خویشاوندی خاندان قاضی با خاندان
طباطبائی قم نیز آشکار می گردد.

در خلاصه التواریخ - ذیل وقایع سال ۹۸۵ می خوانیم :
« در روز یکشنبه ۲۷ ربیع الثانی این سال میرسراج الدین علی
قمی را که از اعظم آن ولایت بود در مشهد محمودآباد که در خارج
درب کنکان واقع است اجلاف و او باش قم به تحریک بعضی از
ملازمانش به قتل رسانیدند. مدت هفده سال در ملازمت دیوان اعلی
بود. مدت نه سال وزارت نواب معصوم بیگ که وکیل بودند نمود به
قاعده ای که همگی خود حکایت معروض می داشت و بقیه سنوات به
وزارت شاهزاده سلطان حیدر میرزا اشتغال داشت و همچنان در مجلس
خلد آسای شاه سپهر اعتلا نهایت قرب و عزت تمام داشت. در ایام
شاه اسماعیل مغضوب شد. بعد از آن در ایام شاه کامیاب اراده کلانتری

۵۲- خلاصه التواریخ : ۳۲۱ .

۵۳- خلاصه البلدان : ۵۰ ر .

قم کرد؛ مبلغ یک هزار تومان به واسطه طمع دیوانیان و ترجمان سابق تعهد نموده، به کلانتری قم رفت .

وی در علم فلاحت مهارت تمام داشت. در مزرعه قمرود که از بایرات قدیم بود احداث قناتی چند به جهت آن در اراضی غیر آنجا نموده، آن را معمور گردانید و اراده داشت که در آنجا خانه ها و مساجد و حمام و منار ساخته معمور سازد، توفیق مساعدت ننمود و همچنین قناتی چند در سررودخانه قم احداث کرده، باغاتی چند قرب چهارده هزار من تخم افکن ترتیب داد و در اندک ایامی قریب یک هزار و پانصد تومان محصول به هم بست و قلعه قم را که پر از خرابه عمارت بود هموار کرده، باغ نمود و آن از آثار اوست»^{۵۴}

با توجه به خصوصیات ذکر شده در این عبارت دور نیست که این شخص همان میرسراج الدین علی قمی یاد شده در بیاض صفی الدین باشد و بنا بر این، این شخص به حسب قاعده عم زاده خود قاضی احمد خواهد بود .

نکته دیگر آن که میدان میرقم که نام کامل آن «میدان میرسراج» است^{۵۵} شاید منسوب به همین شخص باشد .

پوششگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۹- میرسید علی رضوی قمی :

پدر همسر قاضی احمد^{۵۶} . او گویا همان میرسید علی رضوی قمی از سادات آستانه مقدسه منوره معصومه^{۵۷} و قاضی قزوین^{۵۸}

۵۴- خلاصه التواریخ : ۲۵۶ - ۲۵۷ .

۵۵- تاریخ دارالایمان قم : ۵۳ .

۵۶- خلاصه البلدان : ۳۰ پ .

۵۷- خلاصه التواریخ : برگ ۱۲۷ (وقایع سال ۹۵۵) و ۱۶۳ (وقایع سال

۹۶۹) .

۵۸- ایضاً : ۱۷۰ .

تاسال ۹۷۱ و تولیت آستان قدس رضوی و وزیر خراسان^{۵۹} از این سال تا سال ۹۷۴ تا ۶۰ و وزیر قزوین و متصدی خالصهجات سلطانی در ۹۷۵ تا پایان زندگی، در گذشته دوشنبه ۱۳ ج ۲- ۹۸۲ و مدفون در رقم ۶۲ باشد. گویا از همین شخص است که در فرمان مورخ ۱۸ ج ۱- ۹۴۸ شاه طهماسب مربوط به تولیت موقوفات آستانه قم و تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری این شهر یاد می شود^{۶۲}

- ۴ -

سرگذشت او

قاضی سحرگهان روز پنجشنبه هفدهم ربیع الاول سال ۹۵۳ در رقم دیده به جهان گشود^{۶۴}. در سال ۹۶۴ در یازده سالگی همراه پدر خود به مشهد رفت و مدت بیست سال در آن شهر بود^{۶۵} طبعاً در دونوبت که پدرش یک بار به وزارت ابراهیم میرزا و بار دیگر به وزارت خراسان منصوب گردید و خود در جایی از گلستان هنر^{۶۶}

۵۹- ایضاً: همان صفحه .

۶۰- ایضاً: ۱۷۶ .

۶۱- ایضاً ۲۱۵ . عالم آرا ۱ : ۱۶۶

۶۲- خلاصه التواریخ : ۲۲۶ .

۶۳- Busse 171-175 . مجله بررسیهای تاریخی ، شماره ۴ سال

چهارم : ۲۲۵-۲۲۶ .

۶۴- خلاصه التواریخ : ۱۲۰ .

۶۵- گلستان هنر : ۸۹ ، ۹۰ .

۶۶- ایضاً : ۹۳ . در تاریخ تذکره های فارسی (پاورقی ص ۷۲۵ جلد دوم)

بار دوم را پس از کشته شدن ابراهیم میرزا به دستور اسماعیل دوم گمان برده اند. در حالی که میر سید احمد که وی در این دو بار در مشهد از او تعلیم خط گرفته است به تصریح گلستان هنر (ص ۹۲) از آغاز سلطنت اسماعیل دوم به فرمان او به قزوین رفت و پس از درگذشت وی به مازندران رخت کشید و در سال ۹۸۶ در همانجا درگذشت .

از این دو نوبت یاد می‌کنید. او می‌گوید که در این اقامت در درگاه ابراهیم میرزا صفوی نشو و نما یافته^{۶۷} و به مطالعه اشتغال داشته^{۶۸} و مشق تعلیم خط از استادان خط همچون میرسید احمد حسینی مشهدی و مولانا شاه محمود زرین قلم و مالک دیلمی می‌گرفته است^{۶۹}. در همان جا به سال ۹۶۵ شیخ کمال سبزواری را نیز که از استادان خط بود دیدار کرد^{۷۰}. او رسم پیچک از رسوم فنون نقاشی و کتاب‌سازی را نیز از مولانا علی اصغر کاشانی پدر آقارضا مصور فرا گرفته بود^{۷۱}.

در سال ۹۷۴ سفری به زیارت اعیان مقدس عراق رفت و در بغداد در خدمت سلطان سلیمان عثمانی، مصلح‌الدین لاری مورخ و ادیب این قرن را دیدار نمود^{۷۲}. در سال ۹۷۸ در قم بوده و نسخه‌ای از الدلائل البرهانیة علامه حلی را در آنجا به خط خود نگاشته که آن نسخه اکنون در دست است^{۷۳} در دوره شاه اسماعیل دوم از جانب او به پیروی تاریخ نگاران و نگارش خلاصه التواریخ مأمور شد^{۷۴}.

او پیش از سال ۹۸۷ وزارت شاه غازی مستوفی الممالک داشت و از آن سمت برکنار شده بود و در روز چهارشنبه ۴ ع ۲-۹۸۷ وزارت اردو عدلی خلیفه و ممیز بلوکات بدو واگذار گردید^{۷۵}.

۶۷- گلستان هنر : ۱۰۷ - ۱۰۸ .

۶۸- ایضاً : ۹۳ .

۶۹- ایضاً : ۹۳ و ۸۹ و ۹۴ و ۱۰۱ .

۷۰- ایضاً : ۳۸ .

۷۱- مجله هنر و مردم ۱۴۴ : ۵۹ به نقل از ترجمه انگلیسی گلستان هنر بر اساس نسخه مسکو .

۷۲- خلاصه التواریخ : ۲۲۳ (وقایع سال ۹۸۰) .

۷۳- ذریعه ۸ : ۲۴۹ .

۷۴- خلاصه التواریخ : برگ ۳ عکس ۶۵۱۸ دانشگاه (از نسخه کتابخانه

مجلس سنا) .

۷۵- خلاصه التواریخ : ۲۷۲ .

در سال ۹۸۸ سفری به تبریز رفته و در آنجا بامولاتا علی بیك از خوش نویس آن شهر دیدار نموده است^{۷۶}. در اوائل ذیحجه سال ۹۸۹ استیفای دفتر شرعیات و وزارت دیوان صدارت به او واگذار شد^{۷۷}. در لوی نیل ۹۹۱ در معسکر همایون ملازم رکاب ظفر انتساب بود و به سعادت زیارت مشهد مقدس سرافراز شد^{۷۸}. در سال ۹۹۳ در پای علم نصرت اثر به خواندن سوره انافتحنا و ادعیه مأثور مواظبت می نمود^{۷۹}.

در سال ۹۹۴ وزیر قم بود^{۸۰} و در حمله مرتضی قلی خان به این شهر مقاومت نمود و خود شخصاً از دروب این شهر و تارین قلعه آن محافظت و دفاع می کرد^{۸۱}. در سال ۹۹۸ جسد امیر شمس الدین محمد صدر را که در امامزاده قاسم به رسم امانت نهاده بودند به قم برد و در آستانه آنجا نزدیک در حرم به خاک سپرد^{۸۲}. درج ۱-۹۹۹ مجلد پنجم خلاصه التواریخ خود را به نام شاه عباس به پایان برد باین امید که وقایع پس از آنرا «روز بروز در ملازمت رکاب ظفر انتساب»^{۸۳} در تاریخی علی حده و مجلدی تازه بنگارد^{۸۴} در همین سالها و پیش از آن به تدوین مجمع الشعراء خود اشتغال داشت و هنوز کار آن را

-
- ۷۶- گلستان هنر : ۳۸ .
 ۷۷- خلاصه التواریخ : ۲۷۸ ، نیز گلستان هنر : ۵۵
 ۷۸- خلاصه التواریخ : ۲۸۳ .
 ۷۹- ایضاً : ۳۱۶ .
 ۸۰- ایضاً : ۳۲۰ .
 ۸۱- ایضاً : ۳۲۰ - ۳۲۱ .
 ۸۲- ایضاً : ۳۵۰ و صفحه ۶۲ چاپ ویسبادن .
 ۸۳- دیباچه نسخه سنا از خلاصه التواریخ (برگ ۴ عکس ۶۵۱۸ دانشگاه).
 ۸۴- دیباچه و پایان خلاصه التواریخ و ص ۸۶-۸۷ چاپ ویسبادن . نیز برگ ۱۶۵ عکس ۵۵۶۶ دانشگاه .

به پایان نبرده بود^{۸۵}

درچاشت روز یکشنبه ۹ ذح - ۱۰۰۴ پس از دو سال گرفتاری در اردو آرزوی دیدار وطن مآلوف و فرزند و خویشان خود را داشت^{۸۶}. در روز جمعه ۴ صفر ۱۰۰۵ به پای بوس نواب اعلی مشرف گردید و منصب کلانتری گرفت^{۸۷}. در پیرامون آغاز سال قمری ۱۰۰۷ به سعایت میرصدرالدین محمد فرزند میرزا شرف جهان قزوینی از خدمت دیوانی برکنار شده و به قم رفت و در ماه صفر همان سال با امیر ابوالولی انجو درون روضه منور آستانه قم دیدار و گفتگو کرد^{۸۸}. در محرم ۱۰۱۵ در قزوین بوده و آنجا با مولانا محمد امین عقیلی اردبیلی دیدار نموده است^{۸۹}

باز هم از جستجو در دو اثر مشهور او نکاتی دیگر در باب وی دانسته می شود: او در هنگام نگارش گلستان هنر خود به واسطه انقلاب زمان و حوادث دوران و ناسازگاری چرخ بوقلمون بسیاری از مسودات و مرقعات و قطعات خطوط استادان فن را از دست داده بود.^{۹۰} اسکندر بیگ منشی نگارنده عالم آرای عباسی شاگرد او بوده و به دست او پرورده شده است.^{۹۱}

قاضی تخت جمشید را در مرودشت شیراز دیده و خط سلطان علی فرزند خلیل میرزا فرزند اوزون حسن را در آنجا دیده است.^{۹۲}

۸۵- گلستان هنر : ۹۷ .

۸۶- پایان نسخه ش ۵۹۸ کتابخانه سالار جنگ حیدرآباد دکن به نقل آقای دانش پژوه در مقاله خود در نامه آستان قدس ۳۶ : ۱۱۷-۱۱۸ .

۸۷- همان مأخذ .

۸۸- گلستان هنر : ۹۸ .

۸۹- ایضاً : ۱۲۴ .

۹۰- گلستان هنر : ۹۳ .

۹۱- ایضاً : ۵۴-۵۵ .

۹۲- ایضاً : ۳۱ .

زمانی نیز گویا یزد بوده و احکام و اسناد مشایخ و موالی آنجا را در همان شهر دیدار نموده است.^{۹۳}

نسخه‌ای از مصحف شریف که تحریر آن را به امام حسن مجتبی پیشوای دوم نسبت می‌دهند در کتابخانه شاه طهماسب به نظر او رسیده بود.^{۹۴} در خلاصه التواریخ (ص ۵۰ نسخه خطی ش ۶۵۷۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه) روایتی را که از شیخ بهاءالدین عاملی در موضوع پدیدار شدن صفویان و قیام شاه اسماعیل شنیده است نقل می‌کند.

- ۴ -

نگارش‌های او

۱- خلاصه التواریخ :

قاضی چنانکه گذشت در سال ۹۸۴ از سوی شاه اسماعیل به تدوین خلاصه التواریخ مأمور شد و پس از چندی بدان پرداخت و پس از دوازده سال در ج ۱-۹۹۹^{۹۵} از نگارش مجلد پنجم آن که تاریخ فرمانروائی صفویان از آغاز قرن دهم تا همین سال است فراغت یافت. این مجلد را او به منزله تکمله‌ای برای مطلع سعدبن سمرقندی دانسته است.^{۹۶}

او در نظر داشت وقایع دوران سلطنت شاه عباس را در مجلدی

۹۳- ایضاً : ۴۷ .

۹۴- ایضاً : ۱۴ .

۹۵- خلاصه التواریخ : ۸۶-۸۷ چاپ ویسبادن . در نسخه کتابخانه سنا : رجب ۹۹۹ .

۹۶- دیباچه نسخه سنا از خلاصه التواریخ .

دیگر گرد آورد. چند برگگی که پس از این قسمت در برخی نسخ - از جمله نسخه‌ای که اساس چاپ ویسبادن قرار گرفته است - دیده می‌شود گویا از همین مجلد است. در گلستان هنر دوجا^{۹۷} از مجلد سادس خلاصه‌التواریخ یاد می‌شود.

عبارت دیباچه کتاب می‌خواهد بگوید که دیگر مجلدات نیز نگاشته شده است. نسخ کتاب نیز بایکدیگر جدایی‌ها و کمی و افزودگی دارد و گویا مؤلف خود پس از تدوین نخست تصرفاتی در آن معمول داشته است. قسمتی از این کتاب که مربوط به دوره شاه عباس است وسیله هانس مولر در سال ۱۹۶۴ در ویسبادن جزء انتشارات هیأت مستشرقین فرهنگستان ماینس به شماره ۱۴ به چاپ رسیده، و اکنون متن کامل آن نیز گویا به وسیله بنگاه ترجمه و نشر کتاب در دست چاپ است.

درباره این کتاب و نسخ مخطوط آن در تاریخ تذکره‌های فارسی ۲: ۶۰۶-۶۱۴ و نسخه‌های خطی ۶: ۵۴۲ و فهرست منزوی ۶: ۴۳۱۸-۴۳۱۹ و مصادری دیگر که در همین کتابها نام برده شده سخن رفته است.

۲- گلستان هنر: نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زندگی نامه خوشنویسان و نقاشان با دو تحریر که یکی را در اواخر سال ۱۰۰۴ به پایان برده و تاریخ صفر ۱۰۰۵ هم دارد و دیگری با تاریخ ۱۰۱۵ در میان که می‌تواند از افزوده‌های بعدی مؤلف باشد. ماجرای برکنار شدن خود را از دیوان نیز در جایی^{۹۸} با تاریخ ۱۰۰۷ آورده که آن قسمت به شهادت تعبیر «آمدن»^{۹۹}

۹۷- گلستان هنر: ۱۰۸ و ۱۱۷.

۹۸- گلستان هنر: ۹۸.

۹۹- «به قم آمدن» در صفحه ۹۸ سطر ۴.

در قم نگاشته شده است .

این اثر براساس تحریر دوم آن دو سال پیش وسیله بنیاد فرهنگ ایران چاپ شده است . درباره این کتاب و نسخ آن نیز در نسخه‌های خطی ۶ : ۵۴۳-۵۴۸ و تاریخ تذکرةهای فارسی ۲ : ۷۰۸-۷۳۲ و نامه آستان قدس ۳۶ : ۱۱۶-۱۲۷ و فهرست منزوی ۳ : ۱۹۱۶ و مآخذی که در این نوشته‌ها از آن یاد شده سخن رفته است .

۳- تذکرة مجمع الشعرا :

تذکرة مجمع الشعرا و مناقب الفضلاء^{۱۰۰} اثری بزرگ بوده و قاضی خود در گلستان هنر^{۱۰۱} و خلاصة التواریخ^{۱۰۲} به تکرار از آن یاد می‌کند. در کتاب نخست از خاتمه آن که در سرگذشت شاهان و شاهزادگان و امراء و وزراء بوده است نیز سخن می‌گوید.^{۱۰۳} همین خاتمه است که در ذریعه ۴ : ۳۴ با نام «تذکرة السلاطین والامراء» یاد شده است .

گفته می‌شود که نسخه‌ای از تذکرة مجمع الشعرا به سال ۱۹۳۵ در مسکو به دست آمده است^{۱۰۴}

۴- جمع الخیار :

تذکرة شاعران و نویسندگان آذربایجان و عراق و خوزستان

۱۰۰- تاریخ تذکرةهای فارسی ۲ : ۱۴۱-۱۴۲ .

۱۰۱- صفحات ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰،

در شش مجلد کوچک که نسخه آن گویا در دست است . ۱۰۰

۵- منتخب الوزراء :

درسرگذشت وزیران . نسخه ای ناتمام از آن به شماره Or Oct 3784 در توپینگن^{۱۰۶} و عکسی از همین نسخه به شماره ۲۳-۱۹۹ در کتابخانه ملی تهران است . این عکس ۱۷۳ برگ است که تا برگ ۵۷/آ منتخب الوزراء و سپس منشآت است . در این مقدار موجود دیباچه کتاب و سرگذشت وزیران از آصف بن برخیا تا نظام الملك هست و در میانه سرگذشت نظام الملك ناتمام می ماند .

آغاز : «بسمله . بعد از حمد و ستایش حضرت و اهب صور و خالق قوی و قدر که از احاطه امکان بیرون است ...

بر رأی عقده گشای عالم آرای ارباب فضل و هنر و اصحاب تاریخ و سیر مخفی و محبوب نماند که این نسخه ایست در بیان لغت وزارت و آیات و احادیث و روایاتی که در باب قدر و منزلت این امر جلیل القدر وارد گشته با ذکر جمعی از وزراء مدبر کریم عالی مقام و بعضی از حکما و علما و فضلا که به وزارت پادشاهان نافذ فرمان اقدام داشته اند و اسامی برخی دیگر از ایشان که به واسطه خیر و عدل و احسان الی هذا الزمان ذکر آنها مذکور و تا انقراض زمان مسطور خواهد بود . و آن را موسوم به منتخب الوزراء گردانید .

امید که چون به نظر ارباب دولت و اصحاب فطنت رسد به عین عنایت و قبول ملحوظ و منظور فرموده ، در اصلاح خطیئات و

۱۰۰- ایضاً ۱ : ۴۱۶ به نقل از استوری ۱ : ۱۰۷۴ .

۱۰۶- مجله دانشکده ادبیات تهران ۷ : ۳ ص ۸۹ واز آنجا در نسخه های خطی ۶ : ۵۴۲ .

عشرات این بی بضاعت بر هفوات و زلات این قلیل البضاعه عدیم - الاستطاعه قاضی احمد بن میر منشی ابراهیمی الحسینی جلباب عفو پوشند و در عیب جوئی داعی نکوشند. والله الهادی الی سواء السبیل و هو حسبی و نعم الوکیل» (برگ ۴-۵ همان عکس).

در برگ ۵۷ آمده است «شیخ محمد شهرآشوبی مازندرانی علیه الرحمه در کتاب مثالب النواصب آورده که نظام الملك ابوعلی الحسن بن علی بن اسحاق طوسی که سر همه سنیان بود به شفاعت دختر به پسر سید مرتضی قمی داده». از این برمی آید که او نسخه ای از کتاب النقض شیخ عبدالجلیل رازی قزوینی را که این عبارت در آن است (ص ۲۸۰) دیده و آن را نوشته ابن شهرآشوب پنداشته است.

۶- دیوان ابراهیم میرزا صفوی :

نزدیک سه هزار بیت که آن را قاضی گردآورده و دیباچه ای بر آن نگاشته است ۱۰۷

۷- دیوان اشعار خود او :

از آنجا که قاضی شعر نیز می سروده به حسب قاعده دیوانی هم باید داشته باشد ۱۰۸

او برخی از سروده های خویش را در دو اثر مشهور خود آورده است از جمله قصیده ای در وصف هجوم ازبکان و کشتار همگانی آنان در مشهد طوس ۱۰۹

۱۰۷- گلستان هنر : ۱۱۰ .

۱۰۸- تاریخ تذکره های فارسی ۲ : ۷۲۸ .

۱۰۹- خلاصه التواریخ : ۵۴ چاپ ویسبادن .

۸- رساله در احوال و مفاخر و مناقب شهر قم :

که افندی آنرا در دست داشته و تا آنجا که برخوردارده ایم در سه جای کتاب ریاض العلماء از آن نقل میکند :

۱- ذیل سرگذشت حسن بن محمد بن حسن قمی نگارنده کتاب قم به همین نام ۱۱۰

۲- ذیل سخن از رساله الدلائل البرهانیة از آثار منسوب به علامه حلی با نام تاریخ قم ۱۱۱.

۳- ذیل سرگذشت افضل الدین حسن بن فاذاز قمی از پیشوایان فن لغت با نام رساله مفاخر قم ۱۱۲

افندی این رساله را از «میر منشی» دانسته که همان گونه که در دیباچه قم در قرن نهم ۱۱۳ گفته شد باید از قاضی احمد باشد چه او از خود چنان که در دو جای خلاصه التواریخ ۱۱۴ می بینیم به گونه ای یاد می کند که خواننده می پندارد میرمنشی لقب خود اوست . همچنان که در آغاز تذکره خطاطین فضل اله باباشاه

۱۱۰- ریاض العلماء ، مجلد دوم شیعه ، حرف ح / خاتمه مستدرک : ۲۶۹ / البدر المشعشع : ۲ / ذریعه ۱۶ : ۲۷۱ / مصفی المقال : ۱۲۹ / طبقات اعلام الشیعه - قرن چهارم : ۱۹۹ .

۱۱۱- ریاض العلماء و ذریعه ۳ : ۲۷۸-۲۷۹ و ج ۸ : ۲۴۸-۲۴۹ . از این کتاب در رساله مورد سخن طبعاً ذیل ماجرای ورود حضرت رضا (ع) به قم نقل شده است . بنگرید به تذکره مشایخ قم از نورالدین علی منعل ، چاپ نگارنده : ص ۱۳-۱۵ .

۱۱۲- ریاض العلماء ، مجلد دوم شیعه ، حرف ح (برگ ۲۶ عکس ۵۷۴۱ دانشگاه از نسخه اصل موجود در همین کتابخانه) / ذریعه ۲۱ : ۳۱۱ و ۲۲ : ۳۳۴ / طبقات اعلام الشیعه - قرن چهارم : ۹۹ .
۱۱۳- صفحه ۶ .

۱۱۴- دیباچه و وقایع سال ۹۵۳ (برگ ۱۲۰) : قاضی احمد بن شرف الدین حسین الحسینی الشهبیر بمیر منشی .

نیز که گزیده گلستان هنر قاضی است^{۱۱۵} عینا این اشتباه شده و این کتاب را به میرمنشی منسوب داشته‌اند^{۱۱۶}. بنابراین نسبت رساله مورد سخن نیز به میرمنشی چنان که در ریاض العلماء است و استناد نویسنده این سطور بدان در «کتاب شناسی آثار مربوط به قم»^{۱۱۷} نادرست و خطاست. می‌بینیم که ذیل سرگذشت وی در خلاصه التواریخ و گلستان هنر هم اثری از او یاد نشده است. قاضی در مکتوب خود به یکی از فضلا زاده‌های جاسب قم که پس از این یاد می‌شود نیز از فضایل قم و بلوکات آن سخن داشته است. در جایی از خلاصه التواریخ^{۱۱۸} هم از فضایل قم و قمیان یاد کرده و روایتی در این باب آورده است. در منتخب الوزراء جابه‌جا مطالبی مربوط به قم در کتاب گنجانیده و ذیل سرگذشت صاحب بن عباد از اصل عربی کتاب قم یاد نموده (برگ ۴۳) و متن نامه او را به ابوالحسن موسی بن احمد رضوی قمی در تهنیت بازگشت از حج از ترجمه فارسی آن کتاب نقل کرده است (برگ ۴۲).

از مورد دوم نقل افندی برمی‌آید که در این رساله، کتاب الدلائل البرهانیة از علامه حلی دانسته شده و درست است. طبعاً او از این کتاب ماجرای ورود حضرت رضا را به قم نقل کرده و در منتخب الوزراء نیز (برگ ۳۳) بدان اشاره نموده است. نسخه‌ای از همین کتاب علامه به خط قاضی احمد در تهران است مورخ

۱۱۵- ش ۱۶۵۴ مجلس.

۱۱۶- تاریخ تذکره‌های فارسی ۲: ۷۱۷/نامه آستان قدس ۳۶: ۱۲۶.

۱۱۷- ص ۵۰-۵۲.

۱۱۸- برگ ۹۹ نسخه ما.

۹۷۸ در شهر قم ۱۱۹ . تاریخ نگارش رساله مورد سخن هم باید پیرامون همین سال باشد .

۹- نامه‌ای به یکی از فضلا زادگان جاسب قم :

متن این نامه به صورت کامل در خزائن نراقی ۱۲۰ به چاپ رسیده و او چنان که پیداست آن را در جنگ یا بیاضی یافته و عنوان و انجام مکتوب را درست به همان گونه که در آن ماخذ بوده نقل کرده است .

- © -

فرزندان و نوادگان او

امیر صفی‌الدین محمد :

«سیدجلیل امیر صفی‌الدین محمد حسینی رضوی» فرزند قاضی احمد که والدۀ ماجدۀ ایشان صبیۀ عالی حضرت مرحمت و مغفرت پناه امیر سید علی‌الرضوی بود ۱۲۱ و نسبت «رضوی» پس از «حسینی» دنبال نام بازماندگان قاضی به خاطر همین انتساب سببی افزوده شده است ۱۲۲

۱۱۹- ذریعہ ۸ : ۲۴۹ و از آنجا در فهرست مشکوٰۃ ۵ : ۱۳۰۸ . جز این رساله گویا تنها جای دیگر که از این نوشته علامه نقل کرده‌اند تذکرۀ مشایخ قم منعل است (ص ۱۳ چاپ قم) که آن هم در همین سال ۹۷۸ در قم تألیف شده است .

۱۲۰- ص ۴۲۵-۴۲۷ چاپ کتابفروشی علمیه اسلامیہ تهران . و از آنجا در مختارالبلاد : ۱۷۱-۱۷۴ چاپ دوم .

۱۲۱- خلاصه‌البلدان : ۳۰ پ .

۱۲۲- چنان‌که نسبت موسوی پس از نام نوادۀ قاضی احمد به خاطر انتساب مادری او به موسویان قم است .

قاضی در یادداشت پایان گلستان هنر- نسخه ش ۵۹۸ فهرست کتابخانه سالار جنگ حیدرآباد - مورخ یکشنبه ۹ ذح ۱۰۰۶ آرزو می کند که مهمات او صورتی یافته ، متوجه وطن مألوف گردد و به سلامت به دیدار فرزند ارجمند خود موفق شود ۱۲۳
میر محمد هاشم :

میر محمد هاشم حسینی موسوی فرزند میر صفی الدین محمد و نواده قاضی احمد. «ایشان هم از والد ماجد و هم از جانب والدۀ ماجده هردو به معصوم می رسند و والدۀ ماجده ایشان صبیۀ عالی حضرت مرحمت و غفران پناه کریماً فی عصره امیر محمد هاشما موسویاً قمیاً بوده» ۱۲۴

در خلاصه التواریخ ۱۲۵ و عالم آرا ۱۲۶ در شمار سادات عظام که در درگاه شاه طهماسب بوده اند از میر محمد هاشم قمی - از اعیان و اکابر سادات عراق که به کثرت ملک و زراعت مشهور بود و در روز سه شنبه ۱۸ شوال ۹۸۷ درگذشت ۱۲۷ یاد می شود . شاید همو باشد که پدر همسر میر صفی الدین محمد و نیای مادری میر محمد هاشم نواده قاضی احمد بوده است . این میر محمد هاشم موسوی قمی بنا بر سندی که در اختیار نگارنده است در شوال ۹۷۳ شش دانگ مزرعه صالح آباد - از توابع دارالمؤمنین قم - ملکی خود را به خیرالنساء بیگم همسر شاه خداپنده و مادر شاه عباس بخشیده است .

میر محمد هاشم حسینی نواده قاضی احمد مردی دانشمند بوده

۱۲۳- نامه آستان قدس ۳۶ : ۱۱۸ .

۱۲۴- خلاصه البلدان : ۳۰ پ .

۱۲۵- برگ ۲۲۳ (وقایع سال ۹۸۰) .

۱۲۶- ج ۱ ، ص ۱۶۷ .

۱۲۷- خلاصه التواریخ : برگ ۲۷۰ (پایان وقایع سال ۹۸۷) .

و نسخه‌ای از جزء دوم از چهارده جزء وافی فیض که به وسیله او با نسخه‌ای خوانده شده بر مؤلف مقابله و تصحیح گردیده هم اکنون در دست است^{۱۲۸} با این یادداشت از او در پایان :

«بلفت مقابله مع نسخه قرأها علی المصنف دام فیضه بعض اصحابه و انا العبد الائم محمد هاشم القمی»^{۱۲۹}

این دانشمند بنا بر آنچه از یادداشت فرزندش بر همین نسخه برمی‌آید تا سال ۱۰۷۳ زنده بوده است .

صفی‌الدین محمد :

فرزند میرمحمد هاشم نواده قاضی احمد ، از فضلاء و اهل‌قلم قم در قرن یازدهم که در پیرامون میانه این قرن زاده شده و تادهه اخیر آن زنده بوده است . او نگارنده کتابی است در تاریخ قم که خود آن را «خلاصة البلدان» نام داده و در افواه فضلاء قدیم این شهر با نام «بیاض صفی‌الدین» شناخته می‌شده است .

این اثر را او در سال ۱۰۷۹-۱۳۰ در دوره وزارت میرزا مهدی اعتمادالدوله (۱۰۷۲-۱۰۸۱) به خواهش مولانا محمد صالح معلم قمی نگاشته^{۱۳۱} و از آن خصوصیات و نکاتی درباره او دانسته می‌شود . از جمله برمی‌آید که او نزد عالی حضرت میرزایی نگارنده رساله تریاق قدسی در علم طب شاگردی کرده^{۱۳۲}

۱۲۸- این نسخه پیش‌تر در تهران بوده و گویا به مشهد فروخته شده است .

۱۲۹- مجله گوهر ، ش ۷ سال دوم : ۶۰۹ و عکس خط در برگ پیوسته

به آن . نیز کتاب‌شناسی آثار مربوط به قم : ۵۳-۵۴ .

۱۳۰- انوار المشعشعین ۳ : ۳۰۸ تحریر نخست و ۳ : ۵۹۳ تحریر دوم

(بنگرید : کتاب‌شناسی آثار مربوط به قم ، ص ۱۲۷) تحفة الفاطمیه الموسویه :

۲-۸/پ/ نیز ج ۱ انوار المشعشعین : ص ۴ با خطایی در استنساخ ، و ذریعه ۷ :

۲۱۶ و قم در قرن نهم ، مقدمه ، ص ۶ با اشتباهی در تاریخ تألیف در این دو ماخذ .

۱۳۱- دیباچه کتاب . کتاب‌شناسی آثار مربوط به قم : ۵۶ نیز دیده شود .

۱۳۲- خلاصة البلدان : ۶۱ پ .

و در دوره وزارت میرزا مهدی اعتمادالدوله از جهل و غرور
 عنفوان شباب همراه میرزا مطلب نواده شیخ عبدالعالی به غار
 نیاسر کاشان رفته و از خطرهای نپرهیزیده است ۱۳۳ در این
 سفر بامیرزا محمد معصوم ۱۳۴ فرزند میرزا مهدی اعتمادالدوله
 که در آن اوقات در نیاسر به بیلاق رفته بود و میرزا ابوطالب و
 میر محمد صالح و حکیم سدید و میرزا جان در نیاسر دیدار کرده
 است ۱۳۵

صفی‌الدین چنان که گفته شد مردی فاضل بوده و همان نسخه
 وافی را - که گویا اکنون در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد است -
 بار دیگر در سال ۱۰۷۳ با نسخه‌ای سنجیده شده با نسخه اصل در
 مجلس نگارنده آن ملامحسن فیض ، مقابله کرده و در پایان آن
 چنین نوشته است :

«بلغت مقابلة مع نسخة قوبلت مع الاصل فی مجلس المصنف ادام الله
 تعالی فیضه مرة ثالثة . و کتب ذلك العبد الاثم صفی‌الدین بن
 محمد هاشم هدا هماله تعالی الی طریق الايقان و کحل بصیرتہما
 بنور العرفان انه خیر من سأل فاجاب . فی سنة ثلاث و سبعین
 بعد الالف» . ۱۳۶

جز این دو نسخه‌ای از مصحف شریف در آستانه قم هست که دو
 ثلث آن را همین صفی‌الدین محمد بن محمد هاشم بن صفی‌الدین
 محمد حسینی در سال ۱۰۸۹ به نسخ زیبای خود نوشته و یک ثلث

۱۳۳- ایضاً : ۵۹ پ - ۶۱ /

۱۳۴- عالم فاضل محقق بلندقدر ، شیخ‌الاسلام اصفهان ، در گذشته ۱۰۹۵
 (امل‌الامل ۱ : ۱۸۰ و ریاض‌العلماء : ذیل سرگذشت میرسید حسین کرکی) .
 ۱۳۵- خلاصه‌البلدان : ۶۰ ر .

۱۳۶- مجله گوهر ، ش ۷ سال دوم : ۶۱۰ و عکس خط در برگ پیوسته
 به آن . نیز کتاب شناسی آثار مربوط به قم : ۵۴ .

دیگر را فرزند او محمد تکمیل نموده است .

از خلاصه البلدان نسخه‌ای به نستعلیق خوش محمد گلپایگانی در ۹۵ برگ نزد استاد محیط طباطبائی در تهران است که خود آن را ضمن مقاله‌ای در شماره ۷ سال دوم مجله گوهر به تفصیل شناسانده‌اند و همان معرفی با نکاتی دیگر در رساله کتاب شناسی آثار مربوط به قم^{۱۳۷} نقل شده است . نسخه‌ای دیگر در ۲۵۶ برگ به شماره Or. 8375 در موزه بریتانیا است که فیلم آن به شماره ۴۶۴۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و عکسی از همین فیلم در اختیار نگارنده این سطور است . نسخه سومی هم می‌شناسیم که مورد استفاده نویسنده کتاب انوارالمشعشعین فی اخبار قم و القمیین^{۱۳۸} قرار گرفته و با دو نسخه پیش‌جدایی‌هایی داشته‌است . از صفی‌الدین محمد دو فرزند می‌شناسیم یکی با نام «محمد» که نیز اهل فضل بوده است .

هموست که يك ثلث پایان نسخه‌ای از مصحف شریف را که پدرش تحریر نموده بود به خط خود تکمیل کرد . نسخه کتاب وافی که یاد آن گذشت و دانستیم که میر محمد هاشم و میر صفی‌الدین محمد هر دو آن را خوانده و مقابله نموده بودند بار دیگر به وسیله همین سید محمد نیز در سال ۱۰۹۱ با نسخه ای دیگر سنجیده و تصحیح گردید با این یادداشت از او در پایان :

«بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله رب العالمين حق حمده وله —

۱۳۷- ص ۵۶-۵۹ ، پس از این دانسته شد که آن مقاله قسمتی دیگر نیز داشته که در شماره بعد همان مجله نشر یافته است .

۱۳۸- شیخ محمدعلی ارجستانی کچویی درگذشته ۱۳۳۰-۱۳۳۱ ق ، نگارنده انوارالمشعشعین درسه مجلد و تحفة الفاطمية الموسویه و منورالقلوب (کتاب شناسی آثار مربوط به قم : ۱۳۲- ۱۷۰) .

الثناء وزان مجده والصلوة على نبيه محمدالمصطفى و على آله ائمةالمهدى .

اما بعد فهذا الجزء الثانى من الاجزاء الاربعة عشر من كتاب الوافى بعد ما قوبل بنسخة الاصل مرة فصاعداً قابلته برهه من الزمان فى هذه الاوان وهو عام التسعين بزيادة الاحد بعد تصرم واحد من الالوف عن آخره بنسخة استكتب من تلك النسخة وقد كان بالغ فى تصحيحها ولدالمصنف ادام الله تعالى ظل بقائهما على جرائيم الانام ما بقيت الليالى والايام وتوالت الشهور والاعوام ورقم عليها المصنف بخطه الشريف هذه: « ثم بلغت قراءة على وانتهت وكانت قراءة فحصى وتحقيق ادام الله تأييده و تسديده وتوفيقه للاتمام والاكمال و بلغه اقصى مراتب الكمال» . ووقع فراغى من مقابلته لست عشرة خلون من شهر ربيع الاخر من شهور السنة المذكورة. وكتب هذه الحروف المفتاق الى رحمة ربه الغنى سيد محمد بن صفى الدين محمد الحسينى وفقهما الله تعالى لمراضيه و جعل مستقبل عمرهما خيراً من ماضيه» ۱۳۹

ديگر عبدالوهاب نام داشته که درباره او على العجالة چيزى نميدانيم جز آن که وى فرزندى به نام صفى الدين محمد داشته که اين صفى الدين محمد بن عبدالوهاب بن صفى الدين محمد بن محمد هاشم حسيني دو يادداشت به خط خود درکناره برگ ۶۵ ر نسخه خلاصه البلدان موزة بریتانيا نگاشته است ۱۴۰

۱۳۹- مجله گوهر ، ش ۷ سال دوم : ۶۱۰ و عکس خط در برگ پيوسته به آن . نيز کتاب شناسى آثار مربوط به قم : ۵۵ .

۱۴۰- يکى از اين دو يادداشت درباره ميرمنشى پدر قاضى احمد است و ديگرى درباره ميرسيد احمد نيای او که فرمانى درباره وى در تملك اين محمد بن- عبدالوهاب بوده است .

استدراك

۱- در ذیل سرگذشت آقا کمال‌الدین حسین مسیبی‌نیای مادری قاضی احمد ، آشنائی بایکی دو نام شناخته شده دیگر از خاندان مسیبی قم را مناسب دانست :

در قصص الخاقانی (ص ۳۹۱ نسخه ش ۳۹۸۶ مجلس) ذیل سرگذشت مولانا محمد امین درکی قمی از سرایندگان دوران عباس دوم صفوی که در قم زاده شده و در ۱۰۶۳ درگذشته و در آستانه آنجا به خاک رفته است می‌نویسد : مشهور است که حضرت آخوندی از اولاد امجد مسیب خزاعی است . نسخه‌ای از دیوان این درکی که به نقل همین‌اثر از سی هزار بیت متجاوز بوده در کتابخانه ملک تهران است به شماره ۵۱۴۶ (منزوی ۳ : ۲۳۲۶) . در تذکره نصر آبادی : ۲۶۷ و آتشکده آذر : ۲۳۶ و دیگر مأخذی که در فرهنگ سخنوران : ۲۰۷ و ذریعه ۱ : ۳۲۱-۳۲۲ نام برده شده است نیز سرگذشت او دیده می‌شود .

آقای استادی از روحانیان فاضل قم نسخه‌ای از کنز‌العرفان مقداد سیوری دارد که آن را یحیی بن عطاءاله مسیبی قمی -گویا از حفاظ آستانه حضرت سستی فاطمه قم - در اوائل قرن یازدهم مالک بوده است . بر برگ آغاز نسخه‌ای از جامع‌المقاصد کرکی (ش ۸ ق ۳ کتابخانه آستانه قم) یادداشت تملك و مهر عبدالله بن عطاءاله خادم عتبه علیه عالیة فاطمیه هست با تاریخ ۱۰۱۹ . خط همین عبدالله بن عطاءاله خادم قمی در برگ پیش از پایان نسخه حاشیه جعفریه ش ۸۷۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیز هست (فهرست دانشگاه ۵ : ۱۸۶۳) و او می‌تواند برادر همان یحیی بن عطاءاله مسیبی و از خاندان آقا کمال‌الدین حسین باشد .

از این خاندان قم بازم نام‌هایی دیگر در گوشه و کنار کتب و نسخ و اسناد قدیم دیده‌ام .

۲- در مجموعه مخطوطات دانشکده الهیات تهران نسخه‌ای است به شماره ۲۷۳ د (فهرست الهیات ۱ : ۲۷۲) مشتمل بر سه رساله که در پایان رساله سوم آن - اثبات الواجب ابوالحسن بن احمد ابیوردی - رقم قاضی احمد با این متن دیده می‌شود :

«قد تشرفت بكتابة هذه الرسالة الشريفة المباركة الموسومة باثبات الواجب للعلامة المؤتمن و فخرالزمن مولانا ابوالحسن غفراله (كذاوالصحيح: غفرله) الخالق ذوالمنن باشارة كثيرالبشارة مخدوم المطاع امره لازم الاتباع حاوى الفضائل والاستعدادات جامع فنون الخصائل و الكمالات ناصب رايات الاحسان و الكمال جالس وسادة العزة و الاجلال ميرزا نظام الملك ابقاه اله ما دام الفلك فى التحرك . و انا الداعى لدوام دولته و بقاء منصبه و طول عمره و توفقه بالتوفيقات و مساعى الخيرات و المبرات اقل خلق اله الغنى المغنى قاضى احمد بن مير منشى الحسينى القمى حامد الله و مصلياً على نبيه و وليه و آله و اولاده المعصومين بدار المؤمنين قم حماها الله عن آفات و التلاطم الذى ورد فى شأنه لولا القميون لضاع الدين وايضاً هذا الحديث الصحيح والخبر الصريح اذا عمت البلدان الفتن فتحصنوا بقم و نواحيها فان البلاء مدفوع عنها . فى اول الربيعين سنة ثلث عشر و تسع مائة من الهجرة النبويه على المنسوب اليها افضل السلام و التحية » .

انشاء اين متن به انشاء قاضى بسيار نزديك است . دو حدیثی

که در اینجا پس از نام قم نقل شده همان هاست که در منتخب الوزرا و در جایی از خلاصه التواریخ (۹۹ ب عکس ۵۵۶۶ دانشگاه) نیز آورده است. لیکن پیدا است که این رقم به این صورت نمی تواند درست باشد به این معنی که یا اصل رقم ساختگی و یا تاریخ آن (ع ۱۴-۹۱۳) نادرست است چه قاضی احمد بن میر منشی حسینی قمی تنها يك تن و او نیز زاده سحرگاهان ۱۷ ع ۱ - ۹۵۳ است و از آن گذشته مولانا ابوالحسن بن احمد ابیوردی که در این متن از او مانند در گذشته یاد می شود بیش از پنجاه سال پس از این تاریخ زنده بوده است (خلاصه التواریخ : ۱۵۵ و ۱۶۲ عکس پیش).

به هر حال عکس دو صفحه اخیر نسخه مزبور که مشتمل بر رقم قاضی است در اینجا گذارده می شود و داوری را بر عهده اهل تحقیق و صاحبان نظر وامیگذارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Handwritten text in two columns, likely a manuscript or document. The text is dense and appears to be in a historical or religious context, possibly containing a list or a detailed account. The script is cursive and difficult to decipher due to the image quality.